



اولین همایش ملی اقتصاد
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اسفند ۱۳۸۸

امنیت اقتصادی در قرآن

سعید فقیه ایمانی
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر
faghihimani@iaukhsh.ac.ir

چکیده:

عواملی که موجب برقراری و تقویت امنیت اقتصادی می شوند عبارتند از: رعایت موازین الهی در استفاده از مال، ارزشمند بودن مالکیت افراد، ثبات و آرامش در جامعه (به کمک ایمان و توکل به خدا، وفای به عهد، عدم شایعه پراکنی، عدم کفران نعمت، پرداخت زکات)، تأمین نشاط و امید در نیروی انسانی، مشارکت نیروی کار در ارزش افزوده، پشتیبانی و نظارت دولت. و عواملی که امنیت اقتصادی را در جامعه از بین می برند عبارتند از: انحصار که به شکلهای گوناگون پدیدار می شود، احتکار که با تاثیر کاهشی بر عرضه، در بازار کالاها، موجب بر هم زدن تعادل می شود، و دو عامل دیگر ربا و رشوه خواری است که فرایند سالم فعالیتهای اقتصادی جامعه را دچار خدشه می نمایند.

واژه‌های کلیدی: ثبات و آرامش، امید به کار، حمایت دولت، انحصار، رباخواری

مقدمه

امنیت اقتصادی در واقع بستر و زمینه ای مناسب برای رسیدن جامعه به بسیاری از اهداف اقتصادی خود می باشد. بیشتر تصمیمهای مسئولین جامعه، با وجود امنیت اقتصادی، عملیاتی خواهد شد. تحرک و نشاط عوامل اقتصادی در فضای امن اقتصادی تأمین و حجم فعالیتهای اقتصادی و معاملات رو به فزونی خواهد گذاشت. برنامه ریزی های بلند مدت به منظور تجهیز و تخصیص بهینه منابع، با داشتن چشم اندازی روشن در آینده، ممکن خواهد شد.

بررسی دیدگاه اسلام در مورد امنیت اقتصادی برای تحقق هر چه بیشتر این مهم در عرصه فعالیتهای اقتصادی جامعه اسلامی، به مدد آیات قرآن کریم، ضرورت آشکار دارد. چرا که رهنمودهای این کتاب الهی، انسان را به صحیحترین و استوارترین راهها هدایت می کند: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، ۹) و بشارتی است برای مومنین: «هُدًى وَ بُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (نمل، ۲) و از طرفی در خصوص این موضوع، پژوهشهای با رویکرد اسلامی و قرآنی کمتری وجود دارد. از این روی، این نوشتار بر آن است که با استفاده از آیات قرآن کریم، عوامل زمینه ساز امنیت اقتصادی و موانع تحقق این امر مهم را مورد کنکاش قرار دهد. بدیهی است این بررسی می تواند مورد توجه پژوهشگرانی که علاقمند به ریشه یابی مشکلات جامعه اسلامی و جستجوی راه حل آن در رهنمودهای نورانی کتاب خدا می باشند، قرار گیرد.

۱- عوامل زمینه ساز امنیت اقتصادی

مهمترین عوامل برقرار کننده امنیت اقتصادی عبارتند از:

۱-۱- رعایت موازین الهی در استفاده از مال

از مهمترین عوامل زمینه ساز امنیت اقتصادی، پاس داشت حرمت مال و جایگاه ویژه آن می باشد. به گونه ای که بر طبق تعالیم قرآنی، تملک و مصرف آن باید تابع قواعد و ضوابطی خاص باشد و هر گونه حرام خواری به نص صریح قرآن ممنوع می باشد: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره، ۱۸۸)، یعنی دارایی یکدیگر را به ناروا و از راه غصب و تجاوز و راه های ظالمانه دیگر نخورید (طبرسی، ج ۲، ص ۶۷۷). مگر اینکه بصورت داد و ستد و با رضایت طرفین همراه باشد. و کسانی که اموال یتیمان در جامعه را ظالمانه می خورند، آتش در شکمهای خود می افکنند و به زودی در شعله های دوزخ خواهند سوخت: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء، ۱۰).

اموال در جامعه نباید در انحصار گروهی خاص درآید و در میان توانگران دست به دست گردد: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۱۰). نباید در مصرف مال، طغیان و سرکشی نمود و با این کار خشم الهی را موجب گشت: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي» (طه، ۸۱). باید از رشد و تقویت افرادی که در جامعه ثروتهای کلان در اختیار دارند و از انواع امکانات رفاهی و مصرفی بهره مندند (مترفین) و به برخورداری و افزون خواهی و چشم و هم چشمی نسبت به دیگران مشغول می باشند (متکاثرین) جلوگیری نمود؛ آنانکه تابع قانون الهی نبوده، با هر گونه اقدام اصلاحی در جامعه که منافع ایشان را در خطر می اندازد، مخالفت می کنند و جهت گیریشان محدود به قلمرو سود شخصی آنان می باشد و قرآن در بیان دیدگان مترفین یعنی پیشقراولان ثروتمند جامعه (السیوطی و المحلی، ص ۳۶۷)

می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا أَرْسَلْنَا بِهِ كَافِرُونَ»* و قالوا نحن أكثر أموالاً و أولاداً و ما نحن بمُعذِّبِينَ، یعنی: و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده اید کافریم» و گفتند: «اموال و اولاد ما (از همه) بیشتر است (و این نشانه علاقه خدا به ماست)» و ما هرگز مجازات نخواهیم شد (سبأ، ۳۴ و ۳۵).

۱-۲- محترم بودن مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی یعنی مالکیت شخصی حقیقی یا حقوقی در مال منقول یا غیر منقول در ابزار تولید و غیر آنها (محمد جعفر لنگرودی، ص ۳۱۵۶).

احترام به مالکیت افراد و دفاع از تملکهای خصوصی و محترم شمردن حریم اموال مردم از دیگر عوامل بستر ساز امنیت اقتصادی در جامعه اسلامی می باشد و اعتبار این نوع مالکیت در اقتصاد اسلامی به استناد برخی آیات قرآن به اثبات رسیده است؛ از جمله آیه ای که در آن، برای مردان از آنچه بدست آورده اند و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده اند، سهمی قائل شده است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا و لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ» (نساء، ۳۲). و در آیه ای دیگر می فرماید: از آنچه خداوند شما را در آن جانشین قرار داده، بخشش و انفاق کنید: «وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ» (حدید، ۷). از مالی که خداوند به شما ارزانی داشته به مستمندان عطا کنید: «وَأَتَوْهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ» (نور، ۳۳). در قانونی اساسی نیز مالکیت شخص که از راه مشروع باشد، محترم شمرده شده است (قانون اساسی، اصل ۴۸، ص ۴۱). البته این مالکیت نباید موجب زیان جامعه شود چرا که همیشه و در همه جا منفعت و مصلحت جامعه بر فرد تقدم دارد (قانون اساسی برای همه، ص ۳۷۵).

احترام به مالکیت افراد در حد اعتقاد و اندیشه کافی نیست بلکه باید در سهم بندی فعالیتهای اقتصادی و مدیریت چرخه امور اقتصادی جامعه، آثار محترم بودن مالکیت خصوصی هویدا و دخالتهای دولت در اقتصاد تعدیل شده باشد. حرمت قائل شدن برای مالکیت افراد باید عادلانه و به دور از تبعیض باشد: «وَأَمْرٌ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُم» (شوری، ۱۵). و تمام افرادی که توان و تخصص کافی دارند: «إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»^۱ (قصص، ۲۶)، باید در برخورداری از حق فعالیت اقتصادی یکسان باشند و در عین حال چنانچه تخصص لازم وجود نداشته باشد، با اتخاذ تمهیدات لازم از خسارت ناشی از ناکارآمدی کارگزاران اقتصادی و صاحبان سرمایه جلوگیری به عمل می آید (محمد باقر صدر، ص ۴۶).

۱- یعنی: بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که قوی و امین باشد.

در اسلام ضمن محترم شمردن مالکیت خصوصی، از تجمع ثروت توسط صاحبان آن جلوگیری به عمل آمده است. زیرا مالی که برای تأمین زندگی مردم آفریده شده است، تجمع و بیهوده ماندن آن بر خلاف غرض خدایی است (علی اکبر قرشی، ص ۱۵۱).

۱-۳- ثبات و آرامش فضای جامعه

از جمله شاخصهای اصلی برقراری امنیت اقتصادی، وجود آرامش در جامعه می باشد. از دیدگاه قرآن عوامل ایجاد آرامش عبارتند از:

۱-۳-۱ وجود ایمان و تقوا و توکل و تسلیم:

هر چه میزان باور افراد به الگوی سعادت بخش دین اسلام بیشتر باشد و در نتیجه عمل صالح انجام دهند: «فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (انعام، ۴۸) و تقوا پیشه کنند: «فَمَنْ اتَّقَى وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف، ۳۵) و توکلشان بر خدا باشد: «قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۸۳)، نه تنها هیچ ترس و ناراحتی در ایشان وجود نداشته بلکه به جای آن آرامش و اطمینان حاکم خواهد شد: «فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْابَهُمْ فَتَحاً قَرِيباً» (فتح، ۱۸). در کتاب ارشاد با نقل روایتی از علی بن عقبه از پدرش، آمده است که وقتی قائم علیه السلام قیام می کند، با عدالت حکم می نماید و در عصر او ظلم و ستم از میان خلائق برداشته شود و راهها امن می شوند و از زمین برکتهای خود را بیرون می آورد و هر حقی از باطل خود برگردانده می شود.... در این وقت، مردی از شما نمی تواند کسی را پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی نماید زیرا که همه مومنان غنی و مالدار می باشند (مجلسی، ج ۲، ص ۲۲۵ و شیخ مفید، ج ۲، ص ۵۲۲).

۱-۳-۲ وفای به عهد:

خداوند از مؤمنینی که در بیعت با پیامبر (ص) از خود صداقت نشان دادند، راضی است و آرامش و پیروزی را نصیب ایشان نمود: «فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْابَهُمْ فَتَحاً قَرِيباً» (فتح، ۱۸). پایبند بودن مسئولین جامعه به تعهدات و برنامه ریزیهای اقتصادی، اعتماد متقابل مردم و برقراری امنیت را باعث خواهد شد.

۱-۳-۳ عدم شایعه پراکنی:

خداوند منافقین و شایعه پراکنان مدینه را تهدید نمود که چنانچه از عمل شایعه دست بر ندارند، پیامبر (ص) را بر علیه ایشان می انگیزاند: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ»

(احزاب، ۶۰). چنانچه مدیریت اقتصادی جامعه، هر روز در مقابل پخش شایعات بی اساس قرار گیرد، از اقدام به ارائه برنامه های میان مدت و بلند مدت اقتصادی ناتوان و تورم نیز به دلیل التهاب روانی ناشی از وجود اخبار و اطلاعات بی اساس، روند افسار گسیخته ای پیدا خواهد کرد و در نتیجه در جامعه بستری آرام و همراه با امنیت، جهت گرفتن تصمیمهای اساسی، فراهم نخواهد شد.

۱-۳-۴- عدم کفران نعمت:

قرآن، وضعیت مردمی که در امنیت به سر می بردند و از انواع امکانات مطلوب زندگی و روزیهای الهی چه مادی و چه معنوی مانند وجود فرستاده خدا و تعلیمات آسمانی او (مکارم شیرازی، ج ۱۱، ص ۴۳۰)، برخوردار بوده سپس خداوند به دلیل ناسپاسی، گرسنگی و ترس را به ایشان می چشاند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل، ۱۱۲)، را به صورت مثلی برای بیان یکی از سنتهای اجتماعی شرح داده است. قرآن، عدم برنامه ریزی صحیح در بالا بردن بهره وری تولید و در نتیجه هرز دادن امکانات و محصولات، پرهیز از کار کارشناسی در رسیدن به اهداف رشد و توسعه، رها کردن الگوی های بومی و استفاده از نسخه های نامتجانس غیر بومی، عواملی هستند که اقتصاد و ثروت ملی را نابود و جامعه را وابسته می کند. سپس فقر و ناامنی که از نتایج قطعی این نوع عملکرد می باشد در عرصه جامعه پدیدار خواهد شد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه بالا می فرماید: اهل قریه مذکور نسبت به این نعمتهای الهی (امنیت، اطمینان و وسعت رزق) کفران کردند و شکر آن را به جا نیاورند، خدا هم به اندکی از نعمت و عذاب خود، گرفتارشان کرد و آن نعمت اندک، گرسنگی و ترس بود که مانند لباس، بر آنان احاطه کرد و این امر در قبال کفرانی بود که بطور مستمر، به نعمتهای خدا می ورزیدند (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۵۵۸).

۱-۳-۵- پرداخت زکات (مالیات):

دستور خداوند به پرداخت زکات و مؤده پاداش و آرامش و امنیت به زکات دهندگان در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۷۷)، آمده و اشاره ای است رمزگونه به نقش اساسی مالیاتها در فرایند توزیع مجدد ثروت، به منظور تحقق عدالت اجتماعی در جامعه که در پوشش آن، آحاد جامعه از نعمت امنیت و آرامش برخوردار خواهند شد. (هاشمی رفسنجانی، ص ۲۳۰)

۱-۴- امید به کار در نیروی انسانی

وجود آینده ای روشن در مقابل نیروی کار، موجب تقویت نشاط و تلاش بیشتر و در نتیجه افزایش بهره وری و کیفیت محصول کار می گردد. امید و دلبستگی به کار و احساس آرامش در جریان کار، یکی دیگر از جلوه های امنیت اقتصادی است. امام صادق (ع) به مردی که قصد داشت تجارت و خرید و فروش را کنار گذارد، فرمود: «لَا تَفْعَلْ إِفْتَحْ بَابَكَ وَابْسُطْ بِسَاطُكَ وَ أَسْتَرْزِقِ اللَّهَ رَبَّكَ»، یعنی: این کار را نکن، در مغازه ات را باز کن و کالاهای خود را در معرض دید مشتریان قرار داده و از خدا درخواست روزی نما (الصدوق، ص ۴۸۲، حدیث ۳۶۰۸).

اگر نیروی انسانی به کار مورد علاقه اش مشغول باشد و با سعی تمام بکوشد تا چهره زندگی خود را دگرگون سازد و ضمن بهره مندی از سود کار خویش، به اجتماع نیز منفعت رساند و با مشارکت دیگران از رکود و سکون، مهمل بودن و احساس غربت درآمده و به حرکت و فعالیت بپردازد، به آینده همچون فردی امیدوار و با نشاط می نگرد و از چنگال نومیدی و اهمال و بیهودگی و تکرار ملال انگیز و دیگر آثار منفی بیکاری و مفسد آن رهایی پیدا می کند (حکیمی، ص ۴۰۵). امام صادق علیه السلام می فرماید: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» یعنی: انسانی که جهت رفاه حال خانواده تلاش می کند مانند مجاهد در راه خداست (الصدوق، ص ۴۸۳، حدیث ۳۶۳۳).

در اصل چهل و سوم قانونی اساسی جمهوری اسلامی نیز آمده است: «محتوا و ساعات کار باید چنان باشد که هر فرد، علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد (قانون اساسی، اصل ۴۳، ص ۳۹).

خداوند در برخی آیات به نیروی کار امید می دهد و او را تشویق می کند، آنجا که فرمود: «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (انسان، ۲۲)، یعنی: این پاداش شماست و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است (انسان، ۲۲). همچنین فرمود: «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِّسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ» یعنی: چهرههایی در آن روز (روز قیامت)، شاداب باشند و از کوشش خود خرسند (غاشیه، ۸ و ۹).

با الهام از این آیات و روایات در می یابیم که سیاست تشویق و پاسداری از زحمات و تلاشهای نیروی انسانی و فراهم نمودن موجبات دلگرمی او در جامعه، متقابلاً نظام انگیزشی و امید به کار را در وی تقویت خواهد نمود.

۱-۵- سهمین بودن نیروی کار در ارزش افزوده تولید

مشارکت نیروی کار در جریان تولید و سهم نمودن آن در محصول و ارزش افزوده، شوق و اشتیاق او را در استمرار کار و تعهد در انجام مسئولیت، به شکل مطلوب و نهایتاً نوعی امنیت شغلی و اقتصادی برای عامل کار را باعث می شود. از نظر اسلام هر گونه پیمان و قرار داد که در آن به حقوق طرفین احترام گذارده شده و افراد شرکت کننده از صلاحیتهای لازم برخوردار باشند، مورد قبول است و افراد با ایمان باید به آن وفادار باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، ۱). از جمله این عقود، قرارداد بین صاحب کار و عامل در برخورداری از ارزش افزوده تولید و سود محصولات می باشد. البته بهره مندی افراد در گرو تلاش آنها خواهد بود و سهم عامل کار اعم از زن و مرد مطابق آنچه برای آن کوشش نموده و بدست آورده است، خواهد بود: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ مِمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲). صاحب تفسیر کشاف در این زمینه می گوید: «خداوند بر حسب شناختی که از وضعیت زن و مرد و تواناییها و محدودیتهای ایشان دارد، متناسب با تلاشهایی که می کنند، رزق ایشان را تقسیم می نماید» (الزمخشری، ص ۳۸۷). در قرآن، از کاستن حق و سهم افراد و کم کردن و کم فروشی نهی شده است: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (شعراء، ۱۸۳). و برای پرهیز از حرام خوری، توصیه شده است که رضایت طرفین شریک در فعالیت اقتصادی، تأمین شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء، ۲۹). همچنین دستیابی به سود و ضرر ندیدن، از جمله واقعیتهای اقتصادی است که بر آن صحه گذارده شده است: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ»، یعنی: تجارتی (پر سود) و بی زیان و خالی از کساد را امید دارند (فاطر، ۲۹).

۱-۶- حمایت و نظارت دولت

اساسی ترین روش حمایتی دولت اسلامی به منظور تحقق امنیت اقتصادی، ایجاد توازن اجتماعی و کنترل ثروتمندان سودجو و طغیانگر می باشد: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»، یعنی کسانی که طلا و نقره را کنز می کنند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذابی دردناک بشارت ده (توبه، ۳۴). اسلام با ایجاد توازن اجتماعی و تعدیل ثروتها زمینه های لازم برای کسب درآمد افراد جامعه را فراهم آورده است: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، یعنی: تا این اموال عظیم در میان ثروتمندان سما دست به دست نگردد (حشر، ۷). و از سوی دیگر با ابزارهای که در اختیار دولت قرار داده از فعالیت، متکثرین و مترفین که از طریق رباخواری، رشوه خواری، استثمار، تولید و توزیع کالاهای زیانبار و یا بی فایده، ثروتهای نامشروع بدست می آورند، جلوگیری می نماید. (کرمی، پورمند، ص ۱۷۷)

در ماده ۹۵ برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی، دولت اسلامی مکلف شده است به منظور استقراء عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهکهای درآمدی و توزیع عادلانه درآمد کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقرا، از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تامین اجتماعی و یارانه پرداختی، اقدام نماید (قانون برنامه چهارم توسعه، ص ۱۱۹).

حمایتهای قانونی و ایجاد تخصیصهای مالی و اعمال تشویقهای مادی و معنوی: «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ لِدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لِنِعْمِ دَارُ الْمُتَّقِينَ»، یعنی: برای کسانی که نیکی کردند در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است برای پرهیزگاران (نحل، ۳۰) و همچنین فراهم کردن تسهیلات و امکانات مناسب و پرهیز از سخت گیریهای نابجا در برخورد با قشرهای مولد جامعه: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»، یعنی: و اگر خشن و سنگ دل بودی، از طرف تو، پراکنده می شدند (آل عمران، ۱۵۹) و داشتن رفتارهای متواضعانه با ایشان «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، یعنی: و بال و پر خود را برای مومنانی که از تو پیروی می کنند، بگستر (شعراء، ۲۱۵)، گامهای موثر دیگری جهت تحقق امنیت اقتصادی به حساب می آید. در کنار حمایتهای فوق الذکر، نظارت: «يَاْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (اعراف، ۱۵۷) و تذکر دولت اسلامی: «وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»، یعنی: و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر، مومنان را سود می بخشد (ذاریات، ۵۵)، که موجب بصیرت ایشان و سبب اکتساب طاعات و اجتناب از محرمات می شود (کاشانی، ج ۹، ص ۵۰)، ضرورت دارد. این نظارت بصورت بررسی عملکرد سیاستهای اجرایی، بررسی عملکرد متغیرهای عمده کلان و بخشی، از جمله تولید و سرمایه گذاری، تجارت خارجی، تراز پرداختها، بودجه، بخش پولی و تورم، اشتغال و بیکاری و... خواهد بود (برنامه چهارم توسعه، ماده ۱۵۷، ص ۱۹۹).

۲- عوامل تهدید کننده امنیت اقتصادی

مهمترین عوامل تهدید کننده امنیت اقتصادی عبارتند از:

۲-۱- انحصار

وجود انحصار و انحصار طلبی، محدود کننده رقابت سالم در جامعه است. وجود شرایط عادلانه برای همه افراد جامعه در برخورداری از فرصتهای مناسب اقتصادی، یکی از عوامل تقویت کننده امنیت اقتصادی است. چنین رقابتی به ویژه اگر برای انجام کارهای مفید و سودمند به حال جامعه باشد، مورد تشویق و امر خداوند واقع شده است؛ آنجا که فرمود: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»، یعنی: در کارهای خیر بر یکدیگر سبقت گیرید (مائده، ۴۸). عوامل انحصار در جامعه شامل تسلط انحصاری بر منابع طبیعی، امتیاز انحصاری تولیدات ویژه، انحصار از طریق تبانی و قرارداد و انحصار طبیعی می

باشد. (صدر، ج ۲، ص ۱۲۳). از دیدگاه اسلام هیچکس نمی تواند امتیاز انحصاری استفاده از منابع خدادادی را بدست آورد چرا که همه در بهره وری از این منابع مساوی هستند. (صدر، ص ۷۲) همچنین امتیاز انحصاری تولیدات خاص پذیرفته نشده است. امام خمینی (ره) در این زمینه می فرمایند: آنچه متعارف است که صنعتی را برای مخترع آن ثبت می کنند و دیگران از تقلید آن ممنوع می شوند، اثر شرعی ندارد و جایز نیست منع دیگران از تقلید آن و تجارت بوسیله آن. و هیچکس حق ندارد تسلط دیگری بر اموال و جاننش را از او سلب کند (امام خمینی، ج ۲، ص ۶۲۶). اما انحصار ناشی از تبانی که در آن تولید کنندگان یا فروشندگان با هم تبانی می کنند که کالای مورد نظر را تولید نکنند و یا به قیمت بیشتری بفروشند، از نظر اسلام مذموم است. (پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ص ۳۲۱) و انحصار طبیعی که افرادی ذاتاً انحصار خلق هنر یا عملی را در اختیار دارند و یا در بعضی مناطق و یا نزد مردم برخی جوامع، انحصار طبیعی عرضه محصولی وجود دارد، چنانچه با قیمت گذاری منطقی بر روی آثار هنری و عملی اشخاص و محصولات عرضه شده با نظارت دولت اسلامی و یا با قرار گرفتن در یک بستر رقابتی، ضابطه مند شود، از دیدگاه شریعت اسلامی، مردود نخواهد بود.

مخالفت اسلام با انحصارات فوق الذکر به دلیل ضرر و آسیبی است که به جامعه وارد می کنند. بر طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد (قانون مدنی، قانون ۱، ص ۲۲۹).

با پدیدار شدن انواع انحصارات در جامعه، رقابت از بین رفته و گروههای ویژه ثروتمند حاکم می شوند و به کنز اموال خود پرداخته و از انفاق کردن و توزیع ثروت در جامعه پرهیز می نمایند: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴). که این خود شروع انواع نابسامانیهای اجتماعی از جمله گناهان پنهان و آشکار و عداوتهای قومی و قبیله ای خواهد بود و طبیعی است در چنین فضائی، امنیت برای انجام فعالیتهای سالم اقتصادی وجود نخواهد داشت. در حالیکه بر طبق تعالیم قرآن، مومنین حتی توصیه به تعاون و همدوشی برای کارنیک و تقوی و پرهیز از همکاری برای گناه و دشمنی شده اند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده، ۲).

در نظام جمهوری اسلامی، چنانچه انحصارات فوق الذکر که در غیر کارهای حساس و استراتژیک می باشد، بصورت دولتی در جامعه پدیدار شد و فعالیتهای بخش خصوصی را محدود نمود، این انحصار نیز مورد تایید نمی باشد چنانکه در

بند «د» از ماده ۱۳۶ قانون برنامه چهارم توسعه و در راستای عملی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی، وظایف مربوط به تصدیهای اقتصادی دولت، به بخش غیر دولتی واگذار شده که دولت موظف است در این بخش نسبت به تنظیم مقررات برای جلوگیری از ایجاد انحصار، تضییع حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، ایجاد فضای سالم رقابت، رشد توسعه و امنیت سرمایه گذاری، اقدام نماید. (برنامه چهار توسعه، ص ۱۸۱).

۲-۲- احتکار

مهمترین تاثیر احتکار بعنوان یک عامل تهدید کننده امنیت اقتصادی، بر روی مولفه عرضه، در بازار کالاها می باشد. کمبود عرضه منجر به افزایش قیمت و نهایتاً ضرر به خریداران می گردد. عمل احتکار به دلیل خارج کردن کالا از مسیر قانونی خود، اولاً، غیر عادلانه است، در حالی که قرآن توصیه به عدل نموده است: «إِذْلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى»، یعنی: عدالت پیشه کنید که آن به عدالت نزدیکتر است (مائده، ۸). ثانیاً، احتکار به دلیل بر هم زدن تعادل بازار، نوعی فساد است و خداوند فساد را دوست ندارد: «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵). ثالثاً، چون عملی است مخالف قانون و همراه با سوء استفاده و به منظور تامین منافع شخصی، پس نوعی حرام خواری است که خداوند از آن نهی فرموده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» (بقره، ۱۸۸) و بشارت عذاب دردناک برای حرام خواران است: «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه، ۳۴) حرمت احتکار بر اساس آنچه در روایات آمده و نظر مشهور هم همان است فقط در غلات چهارگانه و د روغن حیوانی و روغن نباتی است که طبقات جامعه به آن نیاز دارند ولی حکومت اسلامی هنگامی که مصلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم هم جلوگیری کند. (آیت الله خامنه ای، ص ۳۲۸ و الشهید الاول، ص ۶۹) به منظور جلوگیری از احتکار، ابتدا باید زمینه های پدید آمدن آن را از بین برد و نهایتاً طبق دستور علی (ع) از آن جلوگیری کرد (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۳۸۵). عواملی چون عدم ثبات قیمتها، وجود فضای کاذب روانی در تقاضای کالاها، عدم ثبات قوانین و تصمیمهای اقتصادی در جامعه، سودجویی فروشندگان و توزیع کنندگان، بروز پدیده احتکار را باعث می شوند.

۲-۳- رباخواری

در فضای سالم اقتصادی جامعه، عوامل اقتصادی اعم از خریداران، فروشندگان، تولید کنندگان و سرمایه گذاران می توانند با امنیت کامل به فعالیت بپردازند و ضمن سرمایه گذاری و تولید و توزیع کالاها و خدمات با قیمت مناسب، به سود

مشروع و عادلانه دست یابند. چنین فضای سالمی بوسیله پدیده نامشروع ربا، مورد تهدید جدی واقع خواهد شد و در قرآن به صراحت از آن نهی شده است: «و أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره، ۲۷۵) چرا که ربا، سود ستمکارانه و در جهت تمرکز ثروت است (آیت الله طالقانی، ص ۲۵۵) و از نظر قرآن ربا به طور مطلق ظلم است (شهید مطهری، ص ۵۴) و فرایند عادی تجارت و کسب سود حلال و عادلانه را مخدوش نموده و اموال و ثروتهای جامعه را طی دوره های زمانی، در تملک گروهی خاص یعنی رباخواران قرار خواهد داد به گونه ای که از سودهای کلان ناشی از آن بهره مند شده و در مقابل، گروههای مولد جامعه از سهم واقعی سود، محروم می گردند. به همین دلیل دولت اسلامی موظف به پس گرفتن ثروتهای مذکور و رد کردن آن به صاحبان آن و یا به بیت المال، در صورت معلوم نبودن صاحبان آن، گردیده است. (قانون اساسی، اصل ۴۹، ص ۴۲).

به دلیل بالا رفتن هزینه تولید و سرمایه گذاری در اثر ورود کارگزاران اقتصادی به عملیات ربوی، تمایل مردم به سرمایه گذاری و تجارت کاهش و گرایش به رباخواری زیاد می شود. (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۳) و این امر موجب بر هم زدن تعادل عرضه و تقاضا گشته و با افزایش قیمتها، گروههای مختلف جامعه در فشار اقتصادی قرار گرفته و شکاف طبقاتی و حرام خواری یعنی خوردن مالی که خداوند آن را غیر حلال و نامشروع دانسته (الطبرسی، ج ۱، ص ۱۰۶) و از آن نهی فرموده (بقره، ۱۸۸)، پدیدار می شود. در قانون مجازات اسلامی هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن که بر اساس آن جنس را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزن معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید، ربا محسوب و جرم شناخته می شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۹۵).

۲-۴- رشوه خواری

امنیت صاحبان سرمایه، تجارت، توزیع کنندگان و کلیه عوامل اقتصادی نیاز به فضای اقتصادی سالم و قانونمند دارد تا ایشان در پوشش آن بتوانند به هدف خود یعنی افزایش تولید و رشد درآمد و نهایتاً رفاه جامعه برسند. یکی از عوامل تهدید کننده جدی فضای مذکور، رشوه خواری می باشد. در آیه «و تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ آكُلُوهُمْ السُّحْتَ، لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعمَلُونَ»، یعنی: بسیاری از آنان (اهل کتاب) را می بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام، شتاب می کنند. چه زشت است کاری که انجام می دهند (مائده، ۶۲)، رشوه خواری، یکی از مصادیق «اکل سحت» بمعنی حرام خواری است (آیه الله دستغیب، ج ۱، ص ۳۸۴). چنانچه این عمل که از رفتارهای زشت و ناپسند است، گسترش پیدا کند، زمینه ساز انحرافات عمیق اقتصادی همچون، انحصار، حاکمیت متکثرین و مترفین، رانت خواری، ایجاد

قطبهای ثروت و شکافهای طبقاتی در جامعه و دسترسی ناعادلانه گروههای سودجو به اطلاعات، امکانات و فرصتهای رشد و ترقی اقتصادی از یک طرف و از طرف دیگر محرومیت افراد کاردان که شایسته اداره فعالیتهای اقتصادی می باشند، خواهد بود.

رشوه دهندگان با ارتباط با محاکم صدور رأی و قانونگذاران، بصورت نامشروع به اموال دیگران دست یافته و با ارتباط با مناصب و جایگاه های تصمیم گیری در جامعه، به ناامنی اقتصادی دامن می زنند. خداوند در مورد این عمل حرام می فرماید: «و لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها إلى الحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ و أنتم تعلمون»، یعنی: اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، قسمتی از آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید در حالیکه می دانید (گناه است) (بقره، ۱۸۸). مرحوم طبرسی در توضیح این آیه می فرماید: «.... درست مانند کسی که خود می داند مال و ثروتی از آن او نیست اما آن را نزد حاکم می برد و بخشی از آن را به رشوه به او می دهد تا او داوری کند که آن ثروت از آن اوست» (الطبرسی، ج ۲، ص ۶۷۸). و از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه میان آن دو مورد لعنت خدا واقع شده است» (سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۶۰).

در قانون مجازات اسلامی، حکام محاکم که به واسطه ارتشاء، اقدام به صدور حکم نمایند، علاوه بر مجازات ارتشاء، حسب مورد به مجازات مقدار زائدی که مورد حکم واقع شده، محکوم خواهند شد. (قانون مجازات اسلامی، ماده ۵۸۹). همچنین اخذ پورسانت در معاملات خارجی به هر شکل آن ممنوع اعلام شده است (جهانگیر منصور، ج ۲، ص ۱۴۲۲). و در فقه اسلامی پرداخت اجرت برای رشوه به قاضی حرام اعلام شده است (الشهید الاول، ص ۹۳).

نتیجه گیری و پیشنهادات

با توجه به آیات، روایات و مطالب ارائه شده در این پژوهش، نتایج زیر بدست می آید:

۱- امنیت اقتصادی، مبنای سامان یافتن بسیاری از فعالیتهای اقتصادی می باشد، بنابراین از جایگاه ویژه ای در اقتصاد برخوردار است.

۲- در فرهنگ اسلامی با ارزش گذاری به حلالیت مال و مالکیت خصوصی و توجه به شاخص امید و رزاقیت خداوند و همچنین احترام به سهم زن و مرد از فعالیتهای اقتصادی و اهمیت نظارت دولت اسلامی، زمینه تحقق و برقراری امنیت اقتصادی را فراهم شده است و به شدت با عواملی همچون احتکار، انحصار، رباخواری و رشوه خواری که روند سالم فعالیتهای اقتصادی را دچار خدشه می سازند، مخالفت نموده است.

-امنیت اقتصادی با میزان پایداری افراد جامعه و ارزشهای اخلاقی رابطه ای مستقیم و پیوندی عمیق دارد به گونه ای که با رشد شاخصهای اخلاقی، جلوه های امنیت اقتصادی در جامعه، بیشتر پدیدار می گردد.

-تحقق امنیت اقتصادی نتیجه عملکرد صحیح افراد جامعه و عوامل اقتصادی و در واقع پاداش خداوند است به درستکاری ایشان.

-هر چه میزان امنیت اقتصادی در جامعه بیشتر باشد، نظام انگیزشی و نشاط کاری عوامل انسانی بیشتر خواهد بود.

-ناامنی اقتصادی از مظاهر فساد است و خداوند فساد را دوست ندارد، همچنانکه مقید بودن افراد جامعه به اصول و ضوابط اخلاقی، در نتیجه تحقق شاخصهای امنیت اقتصادی جزء اوامر الهی و باعث خشنودی اوست.

با عنایت به نتایج فوق، چند پیشنهاد ارائه می گردد:

- ۱-به منظور فراهم نمودن زمینه تحقق امنیت اقتصادی، لازم است دولت اسلامی با استفاده از ابزارهای مناسب نسبت به بالا بردن سطح ایمان، اخلاق و دانش و فرهنگ مردم جامعه اسلامی اقدام نماید. بدیهی است عمل به قانون و التزام عملی به مقررات، از نتایج اساسی تقید به دین و اخلاق در جامعه خواهد بود.
- ۲-از دیگر لوازم داشتن بستری امن در فعالیتهای اقتصادی، وجود قوانینی ثابت و روشن و منطبق با واقعیات موجود در جامعه اسلامی است تا به کمک آن افقی روشن در برابر عوامل اقتصادی ترسیم گردد.
- ۳-مرزبندی منطقی و منطبق بر نیازهای جامعه بین فعالیتهای اقتصادی به گونه ای که حداکثر بهره مندی از تواناییهای بخش خصوصی در کنار فعالیتهای بخش دولتی صورت گیرد، کاملاً ضروری است.
- ۴-اعمال سیاست تشویق عوامل اقتصادی، گامی اساسی در ایجاد فضای امن اقتصادی، خواهد بود.
- ۵-نظارت دولت اسلامی بر عملکرد کلیه دست اندرکاران اقتصادی، تکمیل کننده پروسه امنیت اقتصادی می باشد.

فهرست منابع

- ۱-قرآن، سوره های آل عمران، احزاب، اسراء، اعراف، انسان، انعام، بقره، توبه، حدید، حشر، ذاریات، سباء، شعراء، شورا، طه، غاشیه، فاطر، فتح، مائده، نجم، نحل، نساء، نمل، نور، همزه، هود.
- ۲-علی علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۵۳، دشتی، محمد، قم، انتشارات مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- ۳-امام خمینی، تحریر الوسیله، جلد دوم، بیروت، منشورات دار الانوار، ۱۴۰۳ ق.
- ۴-پژوهشکده حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم، چاپ مهر، ۱۳۷۱ ش.

۵- پورمند، محمد و کرمی، محمد مهدی، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سازمان سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.

۶- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱ ش.

۷- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، جلد دوازدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۳ ق.

۸- حکیمی، محمد رضا، الحیاه، جلد پنجم، ترجمه آرام، احمد، قم، انتشارات دلیل، ۱۳۸۳ ش.

۹- آیت الله خامنه ای، علی، رساله «اجوبه الاستفتاءات»، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ اول، سال ۱۳۸۱ ش.

۱۰- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، جلد اول، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۱۱- الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، الجزء الاول، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۹ ق.

۱۲- السیوطی و المحلی، تفسیر جلالین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۰ ق.

۱۳- الشہید الاول، اللمعه الدمشقیه، قم، منشورات دار الفکر بی تا.

۱۴- صدر، محمد باقر، نهادهای اقتصادی اسلام، ترجمه بیات، غلامرضا شوشتری، فخرالدین، انتشارات بدر، ۱۳۵۸ ش.

۱۵- صدر، محمد باقر، اقتصاد ما، جلد دوم، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا.

۱۶- الصدوق، من لا یحضره الفقیه، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بی تا.

۱۷- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، بی تا.

۱۸- طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد دوازدهم، ترجمه سید محمد باقر همدانی، تهران، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰ ش.

۱۹- الطبرسی، تفسیر مجمع البیان، جلد دوم، ترجمه علی کرمی، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.

۲۰- الطبرسی، جوامع الجامع، جلد اول، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، آبان ۱۳۶۷ ش.

۲۱- قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، مصوب ۸۳/۶/۱۱، تهران، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی، سال ۱۳۸۳ ش.

۲۲- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ششم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۱ ش.

۲۳- قمی، عباس، سفینه البحار، جلد سوم، دار الاسوه للطباعة و النشر، تهران، ۱۴۱۴ ق.

- ۲۴- کاشانی، فتح الله، منهج الصادقين، جلد نهم، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۵- مجلسي، ملا محمد باقر، مهدي موعود، ترجمه بحار الانوار، جلد سيزدهم، ترجمه حسن بن محمد ولي اروميه اي، قم، انتشارات مسجد مقدس جمكران، ۱۳۷۹ ش.
- ۲۶- مطهری، مرتضی، مسئله ربا به ضميمه بييمه، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش.
- ۲۷- المفيد، الارشاد في معرفه حجج الله على العباد، جلد دوم، ترجمه و شرح سيد هاشم رسولي محلاتي، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۸۳.
- ۲۸- مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، جلد يازدهم، تهران، انتشارات دار الكتب السلاميه، ۱۳۷۳ ش.
- ۲۹- منصور، جهانگير، قانون اساسي جمهوري اسلامي، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۶ ش.
- ۳۰- منصور، جهانگير، قانون مدني، جلد اول و دوم و سوم، تهران، نشر ديدار، ۱۳۸۲ ش.
- ۳۱- منصور، جهانگير، قانون مجازات اسلامي، تهران، نشر ديدار، ۱۳۸۱ ش.
- ۳۲- منصور، جهانگير، مجموعه قوانين و مقررات جزائي، جلد دوم، تهران، نشر ديدار، ۱۳۸۲ ش.
- ۳۳- هاشمي رفسنجاني، اكبر، فرهنگ قرآن، جلد اول، قم، انتشارات دفتر تبليغات حوزه علميه، ۱۳۸۳ ش.
- ۳۴- يزدي، محمد، قانون اساسي براي همه، تهران، موسسه انتشارات اميركبير، ۱۳۷۵ ش.